مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان آگاهی شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.
همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه‌ای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی مخاطب هدف، تعمدا اطلاعات غلط و تحلیل‌های جهت‌دار گنجانده است.
مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

واقعیت‌هایی درباره افزایش خشونت و تیراندازی در آمریکا

تیراندازی‌های مرگبار در آمریکا در سال‌های اخیر موجب تصفیف توئالی کنگره در پاسخ مناسب به چالش‌های مربوط به امنیت داخلی شده است. به علاوه، «باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا پیش‌تر اصلاحات قانون کنترل اسلحه را بعید دانسته بود. اوباما گفت: «متاسفانه، تسلط انجمن کنترل اسلحه بر کنگره بسیار زیاد است و فکر نمی‌کنم هیچ اقدامی قرار است کنگره کند. همچنین فکر نمی‌کنم تا زمانی که افکار عمومی در آمریکا به قدر کافی احساس ضرورت و فوریت نکرده است، هیچ اقدام واقعی صورت پذیرد.» به نظر می‌رسد اوباما از تصویب هر گونه اصلاحات قانون کنترل اسلحه بشدت ناامید است بنابراین گویا کسی وجود ندارد که مسوولیت قتل شهروندان بیگناه را در تیراندازی‌هایی که گاه و بیگاه در این کشور صورت می‌گیرد، برعهده گیرد. چگونه است که کشوری پیشرفته با ساختار قوانین مؤثر کنترل اسلحه بی‌بهره است و باز تیراندازی‌های مرگبار غیرنظامیان در دوران صلح رویه‌روست؟ آیا زمان اصلاحات قوانین کنترل اسلحه در این کشور فرانسیدید است؟ چرا چنین صحنه‌های خونینی که در سطحی هشدار دهنده همچنان در این کشور شاهد آن هستیم، مورد بررسی و موشکافی چندانی قرار نگرفته است؟

۱- خشونت به یک عامل از عوامل ارتکاب قتل در آمریکاست
مرکز تحقیق کنترل اسلحه‌های «هاروارد» گزارشی ارائه کرد مبنی بر اینکه «میزان قتل، بویژه با استفاده از اسلحه گرم در ایالت‌هایی که دسترسی بهتری به اسلحه وجود دارد، افزایش یافته است».

۲- دسترسی به اسلحه یکی از عوامل ارتکاب قتل در آمریکاست
شمار تلفات ناشی از جرائم مربوط به حمل اسلحه در ایالت‌هایی که قوانین سختگیرانه‌تری در این باره دارند، نسبت به ایالت‌های دیگر پایین‌تر است. حدود ۴ سال پیش، «ریچارد فلورونا» کارشناس برجسته اقتصادی، تحقیقی درباره ارتباط قتل افراد با ایالتی که قتل در آن صورت گرفته است انجام داد. وی اعلام کرد: «احتمال بروز خشونت ناشی از حمل اسلحه که به قتل افراد منجر شود، در ایالت‌های تروتمندتر که قوانین سختگیرانه‌تری درباره حمل اسلحه دارند و شمار افراد تحصیلکرده در آنها بیشتر است، کمتر است.» وی اینطور نتیجه‌گیری کرد که «عواملی چون اعتیاد به مواد مخدر، فشار عصبی و بیماری‌های روانی بسیار کمتر از آنچه تصور می‌شود در ارتکاب افراد به قتل مؤثر بوده است.»

۳- بالا رفتن قتل افراد توسط اعضای خانواده خود
اعضای خانواده عاملان تیراندازی بیشترین شمار قربانیان تیراندازی‌ها را تشکیل می‌دهند. مانند تجربه نا‌آرامی در حومه آوکالاهمسا رخ داد در این تیراندازی «بوبد بور» همسر و ۳ فرزندش به ضرب چاقوی ۲ پسر نوجوان وی کشته شدند.

۴- آمریکا از جنگ دوم جهانی تاکنون بیش از دیگر کشورهای جهان صحنه خشونت‌های ناشی از حمل سلاح بوده است
همانطور که «کارل هیلی» استاد دانشگاه دوک اعلام کرد، آمریکا در مقایسه با دیگر کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۲۰۱۲ از نظر شمار افرادی که در این کشور به قتل رسیدند (یک نفر از هر ۱۰۰هزار آمریکایی) هیلی در گزارش خود تصریح کرد: «قابل توجه‌ترین جنبه این آمار این است که ۱- خشونت در آمریکا در مقایسه با دیگر کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (شاید به جز استونی و مکزیک) تا چه حد بیشتر است و ۲- روند تغییر این خشونت‌ها در آمریکا چگونه بوده است.»

اوباما نیز در سخنرانی خود پس از تیراندازی در چارلستون به ۹ سیاهپوست در کلیسا گفت: «ما باید این واقعیت را در نظر داشته باشیم که این نوع خشونت جمعی در دیگر کشورهای پیشرفته رخ نمی‌دهد. این خشونت‌ها با این میزان بالا در مرکز تحقیقاتی پیشرفته درست کنیم.

زاکانی با انتقاد از برخی اقدامات جناحی صورت گرفته در زمینه فناوری هسته‌ای گفت: کسی که ۳/۵ درصد را برای ما ایجاد کرد الان در آب و فاضلاب کار می‌کند و او را از صنعت هسته‌ای بیرون کردیم. البته یک رقم حدودی از سوی وزیر فرهنگ عنوان شد و ضرر ما بین ۱۴ تا ۳۰ میلیارد دلار پیش‌بینی می‌شود.

زاکانی ادامه داد: یکی از علل مخالفت من با وزیر نفت این بود که ما می‌گفتیم اگر منصوب شوی ما در این قضیه محکوم می‌شویم، زیرا معلوم شما این قرارداد را امضا کرده است.

اشاره به نطق ۱۰ دقیقه‌ای خود در مخالفت با وزارت زنگنه تصریح کرد: وزیر تنها حرفی که زد این بود که من حاکمیت سرزمینی را لغو نکردم. من به جایگاه عبادت‌رئیسه رفتم و گفتم سند این موضوع را دارم و اگر افای زنگنه دروغ می‌گوید، ولی آقای لاریجانی برخلاف قانون اجازه صحبت کردن نداد و گفت اگر تو حرف بزنی مجلس به هم می‌ریزد.

کشایش اوباما در قبال ایران هیچ تشابهی به گشایش نیکسون در قبال چین ندارد

مایکل گرین و گابریل شینمان: «ژئوموند فروید» گفته است: «فیلس کردن هیچ فایده‌ای ندارد، جز اینکه خیال انسان را آسوده‌تر می‌کند». «اراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا پیروزی دیپلماتیک خود بر ایران را با گشایش «ریچارد نیکسون» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در قبال چین در سال ۱۹۷۲ مقایسه می‌کند. نیکسون چهارمین رؤیله همان سال در مصاحبه با «تومباس فریدمن» ستون‌نویس روزنامه «نیویورک تایمز» گفت می‌دانست احتمال ایمن وجود دارد که «چین مسیر متفاوتی را در پیش گیرد که بسیار به نفع آمریکا خواهد بود».

«فرید زکریا» و دیگران نیز در مقاله‌های خود به این سخنان نیکسون اشاره کرده‌اند. در عین حال، «فیصل عزیز» از مقامات سابق دولت امنیت ملی آمریکا پیشرفت رئیس‌جمهور در دیپلماسی در قبال ایران را با رویکرد «جورج بوش» رئیس‌جمهور سابق آمریکا در قبال کره شمالی - رد انحاذ دیپلماسی در قبال این کشور - در تضاد کامل دانست. وی گفت: «پیونگ‌یانگ به این دلیل سلاح هسته‌ای تولید کرد که بوش با اجرای چارچوب خلع سلاح هسته‌ای -که «بیل کلینتون» رئیس‌جمهور پیشین درباره آن مذاکره کرده بود- مخالفت کرد». با این همه، مقایسه بین دولت‌ها نشان می‌دهد چرا توافقنامه هسته‌ای ایران نه از حد زیادی با خطر همراه است. نیکسون تصمیم درستی گرفت که از چینی‌ها به عنوان برگ برنده علیه شوروی سابق در سال ۱۹۷۱ استفاده کرد اما این امر به دلایل متعدد درباره گشایش در برابر ایران صدق نمی‌کند. نخست اینکه در سال ۱۹۷۱ چین به سلاح هسته‌ای دست پیدا کرده بود و نیکسون هرگز از «ملو» نخواست دست از تولید سلاح هسته‌ای بردارد. دوم، تهدید شوروی سابق علیه واشنگتن و پکن- که در نهایت این دو کشور را به یکدیگر نزدیک کرد- بسیار شدیدتر از تهدید ناشی از داعش علیه ایران یا آمریکا بود. ایران (نیویورک و «سوزان رایس») مشاور امنیت ملی آمریکا داعش را تهدیدی برای موجودیت آمریکا نمی‌داند. بنابراین شاید خود آمریکا هم به وجود داعش نیاز دارد. از این میان یک درصد هم اعلام کردند نمی‌دانند کدام یک از این دو گزینه بهتر است. نامزدهای ریاست‌جمهوری انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا نیز موجب تشدید این دودستگی درباره تصویب یا تصویب نکردن قوانین تشدید کنترل اسلحه شده‌اند. برای مثال، «برنی ساندرز» نامزد دموکرات معتقد است هیچ قانونی نمی‌تواند از کشتارهای جمعی در آمریکا جلوگیری کند. وی این سخنان را در پی تیراندازی سال ۲۰۱۲ در مدرسه‌ای در نیوتاون ایالت کنتیکت بیان کرد. به نظر می‌رسد مقامات آمریکایی تاکنون درباره کنترل اسلحه فقط حرف زده‌اند و هیچ اقدام مؤثری صورت نگرفته است. حل این معضل رایج در سال‌های آینده، از اهمیت اساسی برای این کشور برخوردار است.موضوع خشونت ناشی از حمل اسلحه در آمریکا تفرقه‌انگیز شده است، چرا که براساس اصلاحیه دوم قانون اساسی، نگهداری و حمل اسلحه حق اساسی شهروندان است.

خبرگزاری اسپوتنیک

توافق ترکیه و آمریکا برای ایجاد منطقه امن در شمال غربی سوریه

مقامات رسمی آمریکا و ترکیه از توافق ۲ کشور درباره طرح کلی آنچه عملا به «منطقه امن» در امتداد مرز ترکیه و سوریه خواهد بود خبر دادند. انتظار می‌رود مفاد این توافق به طور چشمگیری دامنه و سرعت جنگ هوایی تحت رهبری آمریکا ضدداعش در شمال سوریه افزایش دهد. این توافق شامل طرحی است که داعش را از ناحیه‌ای به مساحت ۶۸ مایل در غرب رودخانه فرات بیرون می‌راند و تا استان حلب ادامه می‌یابد که متعاقبا تحت کنترل جناح مخالف سوریه قرار می‌گیرد. جنبه‌ها این طرح به طور کامل اجرا شود، هواپیماهای آمریکایی نیز در نزدیکی پایگاه‌ها، هواپیماها و سامانه‌های دفاع هوایی دولت سوریه قرار می‌گیرند که مستقیما به نفع شورشیان در جنگ با «بشار اسد» رئیس‌جمهور سوریه خواهد بود.

عملیات در ناحیه مورد نظر درخواست‌های درازمدت ترکیه را برای ایجاد یک منطقه وسیع بروز ممنوع محقق نمی‌کند اما این ناحیه در نهایت به مامنی برای حدود ۳میلیون غیرنظامی سوری تبدیل می‌شود که به سوی ترکیه متواری شده‌اند.

اولین بار که ترکیه از موافقت با استفاده هواپیماهای ائتلاف ضد جنبش‌های ترکیه ماموربتهایی در شمال سوریه را آغاز کرده‌اند.

- به گفته مقامات رسمی- که خواستند نامشان فاش نشود- جزئیات بیشتر این توافق از جمله ترکیب نیروهای مخالف سوری برای حفظ ناحیه حفاظت‌شده هنوز در دست بررسی است.

وزیر خارجه ترکیه به گزارشگران گفته بود با پاکسازی نواحی شمال سوریه از تهدید داعش منطقه امن شکل خواهد گرفت و آوارگان می‌توانند در آن نواحی امن جای گیرند.

مقامات آمریکایی بدون هیچ بحثی درباره این اظهارات گفتند پوشش هوایی آمریکا و نیروهای ائتلاف عملا به طور مرتب در حالی که اهداف داعش مستقر است، وجود خواهد داشت اما آمریکا آن ناحیه- حدود ۴۰ مایلی عمق سوریه در امتداد ۶۸ مایل از منطقه مرزی- را رسما ناحیه حفاظت‌شده اعلام نمی‌کند.

یک مقام عالیرتبه دولت اوباما- که خواست نامش فاش نشود- گفت: «هر تلاش دفاعی مشترکی» با ترکیه «اعمال یک منطقه پرواز ممنوع را شامل نخواهد شد».

وی در بیانیه‌ای افزود: «مذاکرات ما با ترکیه به همکاری برای حمایت از شرکای زمینی‌مان در شمال سوریه در مقابله با داعش مربوط می‌شود. هدف ایجاد یک منطقه عاری از داعش و تضمین امنیت و ثبات وسیع‌تر در امتداد مرز ترکیه با سوریه است».

دولت اوباما مدت‌هاست در برابر ایجاد مناطق امن در سوریه، تحت حمایت نیروی هوایی آمریکا و ائتلاف، مقاومت کرده و گفته است عملیات هوایی آن فقط داعش را هدف قرار می‌دهد. پنتاگون معتقد است هدف قرار دادن مناطق غرب سوریه در نزدیکی مناطقی که دولت سوریه با گروه‌های متعدد شبه‌نظامی و شورشی در جنگ است، می‌تواند به فعال شدن سامانه دفاع هوایی سوریه بینجامد که در آن ناحیه متمرکز است. ترکیه قبلا با استفاده از پایگاه اینجرلیک برای حملات هوایی آمریکا مخالفت و آن را به موافقت آمریکا با ایجاد یک منطقه مرزی گسترده که مستقیما به نفع شورشیان است، مشروط کرده بود.

اما از اواخر سال گذشته که این مساله برای اولین بار رسما مطرح شد، جنگ داعش برای هر ۳ دولت ترکیه فرعی شده است. معلوم نیست آیا دولت اوباما به دولت سوریه درباره عملیات جدیدش در شمال غرب این کشور اطلاع داده است یا نه. دولت آمریکا به طور غیرمستقیم به اسد هشدار داده است در حملات هوایی آن ضدداعش که ماه سپتامبر در شمال، مرکز و شرق سوریه آغاز شد، مداخله نکند اما آن حملات مشکلی قلمداد نمی‌شود چون دولت سوریه در اصل آن نواحی را به شبه‌نظامیان واگذار کرده بود و عملیات چندانی از آنجا انجام نداده است.

طبق طرح توافق‌شده، به محض پاکسازی آن ناحیه کنترل آن به گروه‌های شورشی سوری میانه‌رو که هنوز مشخص نشده‌اند، واگذار می‌شود. آمریکا و ترکیه تفاسیر متفاوتی از گروه‌های «میانه‌رو» دارند.

متعاقبا غیرظاهیان آواره می‌توانند در آن ناحیه پناه گیرند تا که حد زیادی همان ترکیه را برای کاستن از مشکل آوارگان در ترکیه حفظ می‌کند.

بیرون راندن داعش از ناحیه مورد نظر یک ضربه راهبردی مهم به این گروه خواهد بود و این شبه‌نظامیان را از آخرین نقاط دسترسی‌شان به جهان خارج محروم می‌کند.

این توافق همچنین روند تحولات در سایر بخش‌های شمال سوریه را به شیوه‌ای تحت تاثیر قرار می‌دهد که به نفع ترکیه خواهد بود. ترکیه همواره نگران سوء بردن کردهای سوریه از تجربه اولویایی به سمت ایران سرازیر هستند تا بتوانند سهمی از بازار پررونق ایران را به دست آورند و بتوانند در طرح‌های عظیم با دولت ایران همکاری کنند. «جان کری» وزیر خارجه آمریکا بر همین اساس به سرعت درباره تهدید انزوای آمریکا هشدار داد و در خلال روزهای امضای توافق در وین در چهارم‌ژوئیه) بیست‌وسوم تیر استدلال کرد اگر کنگره بخواهد به این توافق برای مخالف بدهد، دوستان ما در این اقدام را رها خواهند کرد. کری افزود: «جامعه بین‌الملل، آمریکا را سیاست اوباما در قبال ایران فاقد آن است.

استفاده از چارچوبی توافق‌شده» در سال ۱۹۹۴ به عنوان نمونه مثبت دیپلماسی در قبال یک کشور مطرود در حال هسته‌ای شدن (کره شمالی)، نمونه خوبی برای حامیان توافق هسته‌ای ایران نیست. پیش از همه باید گفت، آنگونه که گوردون ادعا کرده است، دولت جورج دبلیو بوش رئیس‌جمهور سابق آمریکا به قدرت نرسیدا «چارچوب توافق‌شده» با پیونگ‌یانگ در دوره ریاست کلینتون را رد کند. در نهایت کلینتون هم تردیدهای زیادی درباره این توافقنامه وجود داشت اما کاخ سفید ژوئن ۲۰۰۱اعلام کرد به اجرای این توافقنامه هسته‌ای تا زمانی که کره شمالی این کار را کند، ادامه خواهد داد. کاخ سفید همچنین اکتبر ۲۰۰۲ هیاتی را به پیونگ‌یانگ اعزام کرد تا دستور کار توافق ۲ کشور را گسترش دهند و مسائلی همچون حقوق بشر، رفتار بی‌ثبات‌کننده منطقه‌ای و موشک‌ها را در این دستور کار بگنجانند. این مسائل در توافقنامه موسوم به «چارچوب توافق‌شده» گنجانده نشده بودند. چیزی که موجب بر هم زدن این توافق شد، اجماع جامعه اطلاعاتی در سال ۲۰۰۲ - و ادعای متعاقب پیونگ‌یانگ- در این باره بود که کره شمالی تقریبا از همان آغاز اجرای توافقنامه، با فعالیت مخفیانه برای تولید سلاح هسته‌ای از طریق غنی‌سازی اورانیوم، توافقنامه را نقض کرده است.

«هوانگ جانگ یوپ» بلندپایه‌ترین مقام سابق کره شمالی که از این کشور فرار کرده است، اکتبر سال ۲۰۰۳ به کاخ سفید گفت وی به طور مستقیم در نشست‌های مقامات بلندپایه کشورش حضور داشته است. وی افزود مذاکره‌کننده اصلی کره شمالی، در مذاکراتی که به امضای توافقنامه «چارچوب توافق‌شده» منجر شد، در این نشست‌ها هم رئیس آن را تشریح کرد و گفت راهبرد ما طفره رفتن از بازرسی از تاسیسات هسته‌ای بین ۵ تا ۱۰ سال و پس از آن «رویارویی با آمریکایی‌ها با بازدارندگی بیشتر خواهد بود.» آنها همین کار را هم کردند، فرصتهایی که ایران برای جلوگیری از بازرسی‌ها همزمان با ادامه غنی‌سازی اورانیوم و فعالیت‌های موشکی در چارچوب توافق هسته‌ای خواهد داشت، هشدار دهنده است.

شاید استدلال‌های خوبی برای تعامل دیپلماتیک با ایران ارائه شود اما مقایسه این توافق با موارد مشابه در دولت‌های قبلی دستاویزی برای قبولاندن این توافق به مخالفان است.

پایگاه اینترنتی فارین پالیسی

نامه‌ای به مدیون چکمه‌های رضاخان!

نامه

ادامه از صفحه اول

به مانند استدلال شاه ضعیف‌النفس قاجاری که درباره نفت می‌گفت: «این ماده بدبوی غفن را می‌خواهیم چه‌کار کنیم، بگذارید بردارند ببرند»! نتیجه‌گیری کردیلد که «انقدر که هستهای به ما ضرر زده است جنگ نزده است»!

طنزتلخ روزگار است که همه این عجایب‌الاظهارات و نظرات مجرب‌العقول را در «دانشگاه» داشته‌اید و روزنامه‌های «توافق به هر قیمتی»، روزنامه‌های «پرواز مستقیم تهران - نیویورک» و روزنامه‌های عاشق «سلفی اوباما با میدان آزادی» برای‌تان تک و سوت زده‌اند. و البته بی‌خیال مردم هم که پول آب می‌دهند، پول برق را جدا!

در همه این ۲ سال که مهم‌ترین پرونده ملی برایتان در قرن اخیر، در حال پاره کردن بود، در ستون نوشته‌های‌تان در روزنامه‌های زنجیره‌ای یک بار متن توافق را نگاه نکردید و ننوشتید چه دادیم و چه گرفتیم! در همه این روزها فقط به فکر چیزهای دیگری بودید. مردم را پس از بیانیه لوزان در نامه‌ای سرگشاده نواختید که چرا به خیابان نمی‌ریزند و شادی نمی‌کنند؟

برادر زیباکلا!

من در سالن برنامه‌ای که در آن گفته بودید «مدیون چکمه‌های رضاخان هستیم» نبودم. رفقایم تعریف می‌کنند که در ادامه هم گفته بودید: «از من به مدیون ۲ نفر است؛ یکی شمشیر آغامحمدخان و دیگری کفره رضاخان». عجیب نیست که ایران و مدیون خون شیدا نمی‌دانید، مدیون حضرت امام(ره) نمی‌دانید، انهایی که یک وجب خاک به دشمن ندادند را نمی‌بینید و در حالی که ما هم در زمان رضاخان و هم در دوره قاجار کیلومترها کیلومتر از خاک و دارایی ایران به یغمای غارتگران رفته است، ایران را مدیون بی‌سوادهای قجری و پهلوی می‌خوانید!

مدرنیته تبلیغی توسط حضرتعالی و باقی زعمای اصلاح‌طلب که برای رضاخان سینه چاک می‌کنید، زور نداشت؟ فاجعه گوهرشاد نداشت؟ کلاه پهلوی هم می‌توانیم از آنها بخریم.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به موضوع کرسنت اداده داد: مساله کرسنت در زمان وزارت همین وزیر نفت فعلی رخ داده که یک فاجعه ملی است.

وی اضافه کرد: هم‌اکنون شرکت ترکیه‌ای ۲/۸ میلیارد دلار از ما درخواست غرامت کرده و دوباره برای گرفتن غرامت نامه زده است و ما در این قضیه محکوم شدیم، از وزیر فرهنگ در مجلس سوال کردیم که چرا اجازه نمی‌دهید در مورد کرسنت حرف بزنیم و ایشان پاسخ داد چون ما ۱۲ میلیارد دلار ضرر می‌دهند، پول برق را جدا!

در ادامه این نشست زاکانی با انتقاد از برخی اقدامات جناحی صورت گرفته در زمینه فناوری هسته‌ای گفت: کسی که ۳/۵ درصد را برای ما ایجاد کرد الان در آب و فاضلاب کار می‌کند و او را از صنعت هسته‌ای بیرون کردیم. البته یک رقم حدودی از سوی وزیر فرهنگ عنوان شد و ضرر ما بین ۱۴ تا ۳۰ میلیارد دلار پیش‌بینی می‌شود.

زاکانی ادامه داد: یکی از علل مخالفت من با وزیر نفت این بود که ما می‌گفتیم اگر منصوب شوی ما در این قضیه محکوم می‌شویم، زیرا معلوم شما این قرارداد را امضا کرده است.

اشاره به نطق ۱۰ دقیقه‌ای خود در مخالفت با وزارت زنگنه تصریح کرد: وزیر تنها حرفی که زد این بود که من حاکمیت سرزمینی را لغو نکردم. من به جایگاه عبادت‌رئیسه رفتم و گفتم سند این موضوع را دارم و اگر افای زنگنه دروغ می‌گوید، ولی آقای لاریجانی برخلاف قانون اجازه صحبت کردن نداد و گفت اگر تو حرف بزنی مجلس به هم می‌ریزد.

یادداشت امروز

هشدار تهدید امنیت ملی

ادامه از صفحه اول

ایـن شـرایط مـا را قادر می‌کند تا حتی از سـایه‌های نظامی که رهبر ایران اعلام کرد اجازه بازرسی از آنها را نخواهد داد، اطلاعات کسب کنیم. ما موفق به ایجاد رویه‌ای شدیم که حتی بدون کسب رضایت روسیه و چین یک اجماع جهانی برای بازگرداندن تحریم‌های مجدد علیه ایران شکل یابد و اینها فقط لیستی معدود از امتیازات پیچیده اما روشنی است که به دست آوردیم»!

کمی از سـرزمین‌های اشغالی فاصله می‌گیریم.

اینجا کنگره آمریکاسـت! یـک نماینده در بحبوحه تعطیلی‌هـای بی‌ربی مجلس کنگـرمان، بر سـر جان کری و تیمش فریاد می‌زند که چرا هنوز توافق هسته‌ای با ایران بر امنیت ملی آمریکا خطرناک است! وی ادعا کرد که «ما به طور قرار است آنها تقدیم نکرده‌اند! جان کری برای حفظ ظاهر هم که شـده می‌گوید: «این توافق میـان ایران و آژانس اسـت و هیچ کشوری حق دسترسی به چنین مفاد محرمانـه‌ای را ندارد». نماینده دوبـاره فریاد می‌زند کـه «مـوزان رایس» پیـش از این به مفـاد توافق محرمانه آژانس دسترسـی پیدا کـرده پس باید متن به کنگره آمریکا نیز ارائه شود! نتیجه اینکه «مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»، همان کسی که تیم مذاکره‌کننده کشورمان همه تخمیم‌گیری‌های آزرمندی را در سـد قضـاوت عادلانه‌تان چیده، برای ادای توضیحات به کنگره می‌رود!

دوباره بازگردیم به ایران- مجلس شورای اسلامی متن ترجمه برجام و قطعنامه را به وزارت امور خارجه بازیس فرسـتاده چون پرانتـکل و غیرحقیقی ارزیابی شده اسـت. کمی آن طرف‌تر یک نماینده اصلاح‌طلب بی‌اعتنا به منافع ملی با یاوزخند می‌گوید: «دولایسان متن انگلیسـی برجام را بخوانند تا خیال‌شان راحت شـود» البته اگر می‌توانند!» رسما دعوت به «خواب خرگوشی» می‌کنند. خوشـحالند که اوباما دولایس رفتار هسـته‌ای ایران شد!» او تاکید دارد در صورت لغو تحریم‌ها عمـلا در حدود ۵۰ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدود شده ایران به کشور بازمی‌گردد و بقیه (از کل ۱۱۰ میلیارد دلار) صرف تعهدات خواهد شد.

نوبت به جان کری می‌رسـد... اینجا هیچ خبری از تعطیلات تابسـتانی نیسـت! یک نماینده خشمگین از جان کری سوال دارد: چگونه می‌توانید مانع دسـتیابی ژنرال قاسـم سلیمانی و سپاه به دارایی‌های آزادشده ایران شوید؟ پاسخ در همان ضمیمه‌های کذایی است که‌با جزئیات خسـته‌کننده‌سـیار تخصصی از نامحرمان حفاظت شده‌اند. پول به چه کار قاسم سلیمانی که افتخار همه ایرانی‌ها و ملت‌های منطقه است، می‌آید. سـاده‌اش این می‌شـود که با مسـتقیم هزینه جنگ با داعش و تروریسـت‌های فرامنطقه‌ای می‌شـود تا مجبور به جنگ در خانه نشویم که به توجه به تاکید آمریکایی‌ها بر عدم لغو «تحریم‌های غیرهسـته‌ای»، طبیعتـا چنین امکانی کمـاکان به صـورت عادی فراهم نیسـت. یک راه دیگر، تبدیل پول به ادوات و تجهیزات نظامی از مسـیر واردات سلاح اسـت که به لطف مذاکره‌کنندگان کشورمان بدرغم تعجب شدید چین و روسـیه، تلاشی برای رفع «تحریم تسلیحاتی» صورت نگرفته اسـت! می‌ماند مسیر «خودکفایی» که آن هم به واسطه قطعنامه ۲۲۳۱ مسـدود شده اسـت! بدون موشک‌های دوربرد مجبور به جنگ با داعش در خانه خواهیم شد چون با۳۷ تمی‌تول فلوجه را هدف گرفت! چه بسـا سعودی‌ها یا حتی خود صهیونیست‌ها نیز تصمیم بگیرند به جای یمن و غزه، مسـتقیم ایران خلع‌سلاح شـده را هدف قرار دهند چون پشتیبانی اجسـتیکی از هیچ‌کدام از متحدان منطقه‌ای کشورمان به واسطه مفاد قطعنامه، اسناد و ضمایم برجام دیگر مقدور نیسـت!

رسـانه‌های منفعت‌طلب تاکید دارنـد بگویند: «ظریف بارهـا در مذاکرات خصوصی با کری، چـه در یکـی از جلسـات وزرای ۵+۱ در دور، اخر، حمایت‌های شـدید و قاطعی از سپاه پاسداران انجام داده اسـت». حمایت از سپاه، ارتش و ژنرال‌ها به حکم «خلع سلاح» یا کدام اصل دیپلماسی ملی می‌خواند؟! عزت؟ حکمت یا مصلحت؟ شیرین هانتر آمریکایی می‌گویـد موگرینی، فابیوس و باقی غربیه‌ها از ایران بسـیار جریان دارد. «جک لو»، وزیر خزانه‌داری آمریکا از رژیم تحریم‌ها علیه ایران دفاع می‌کند و می‌گوید: «بگیارچگی علیه ایران در این تحریم‌ها باعث تغییر ۱۴ مـارس را رئیس‌جمهور لبنان و عـراق را هم در جنگ با داعش رهـا کنـد! به قول خود هانتر هر چه آمریکا و متحدانش می‌خواهند در حوزه «امنیت ملی ایرانی‌ها» اسـت! آیا کمیسـیون امنیت ملی مجلس شـورای اسلامی به دیپلماسـی طراحان آمریکایی- اروپایـی برجام و قطعنامه با هـدف «تامین امنیت اسرائیل» واقف اسـت؟ بی‌شک «دیپلماسـی زبان بدن» در دفاع از متون قطعنامه فصل هفتمی و برجام خلع سلاح کارگر نیسـت.

اگر کنگره توافق هسته‌ای را رد کند، ایران منفور خواهد شد یا کنگره؟

هوارد لافرایجی: بعد از حملات تروریسـتی ۱۱ سـپتامبر ۲۰۰۱/ ۲۰ شـهریور ۸۰، «جورج بـوش» رئیس‌جمهوری سابق آمریکا نقش دیپلماسـی را در قبال دولت ایران، هم از تحریم‌ها آزاد خواهد شد و هم از محدودیت‌ها بر برنامه هسته‌ای خود رها می‌شود».

برخی کارشناسان خاورمیانه نگران این هستند که مخالفت با این توافق، آمریکا و اسرائیل را هم در منطقه و هم در سطح بین‌المللی در آزادا قرار دهد. این مساله بویژه از آن جهت می‌تواند درست باشد که به نظر می‌رسد برخی کشورهای حاشیه خلیج‌فارس بخواهند با حمایت از توافق هسته‌ای ایران، امتیازاتی از آمریکا بگیرند، بویژه در پرتو تحاریم از استراتژی تقویت‌شده آمریکا که دولت متعهد شده است در صورت جسور شدن ایران در منطقه به آنها کمک کند.

اینتیوسک از مرکز ویلسـون می‌گوید: «نـزوای آمریکا به دنبال رد توافق توسـط کنـگره همه را قوی‌تر خواهد کرد، چرا که برای جامعه بین‌المللی این تصور به وجود خواهد آمد که آمریکا به دوره بعد از ۱۱ سپتامبر بازگشته است که تنها راه برای برخورد با دولت‌های باغی را تغییر رژیم می‌دانسـت». او ادامه می‌دهد: «غالب تفکرات بعد از حوادث ۱۱ سـپتامبر، مبتنی بر این بود که اصلاح رفتار نمی‌تواند نتیجه‌ای داشته باشد و تنها راه برخورد با رژیم‌های باغی، تغییر رژیم است».

اینتیوسک در ادامه می‌گویـد: «اوباما مفهوم دولـت باغی را برای برخورد با کشـورهایی نظیر ایران کنار گذاشته و به جای آن، ایران را یـک دولت مطرود در حقوق بین‌الملل توصیف کرد؛ رویکردی که جامعه بین‌الملل آن را بیشـتر می‌پسندید».

ولی منتقدان این توافق می‌گویند اوباما در واقع همان کسـی است که دیدگاه خود درباره تحریم رژیم را با پیشـرو کردن مطرح می‌کند که در آن روی دگرگونی حکومت در ایران طی چند دهه آینده حسـاب کرده اسـت. «مارک دوبووتز» (Mark Dubowitz)، مدیر اجرایی «بنیاد دفاع از دموکراسـی‌ها در واشـنگتن می‌گوید: «شما توافق هسـته‌ای با ایـران را بدون باور به اینکه در یک دهـه آینده تغییر رژیم در تهران اتفاق می‌افتد، نمی‌توانید بفهمیـد». وی در ادامه افزود: «همان محور شـرارت در دولت بوش که هدفش تغییر رژیم در ایران بود، اکنون در قالب توافقی جای داده شده است که البته شکل و ظاهر قابل قبول‌تری برای جهانیان دارد».

کریستین ساینس‌مانیتور

نامه‌های انقلاب زبان انگلیسی می‌دانند!

www.vatanemrooz.ir

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲